

تبیین اثر بخشی آموزش انسان شناسی صدرایی بر اخلاق حرفه‌ای پزشکی: یک مطالعه کیفی

لطف اله دژگام^۱، منصور درویشی تفویضی^{۲*}، نوید کلانی^۳

- ۱- دانشیار، گروه اخلاق پزشکی و فلسفه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران
 ۲- مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران
 ۳- مرکز تحقیقات مولفه‌های اجتماعی نظام سلامت، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.8, No.3&4, Fall & Winter 2020

چکیده:

مقدمه: شناخت انسان کارکرد انکار ناپذیری بر همه مسائلی دارد که مستقیم یا غیرمستقیم به بعد یا ابعادی از انسان می‌پردازد و به بایسته‌ها و نبایسته‌های تعامل با وی تعیین می‌بخشد. بنابراین نگرشی که افراد به انسان و ساحت‌های وجودی او دارند، موضوعات مربوط به سایر علوم را تحت الشعاع قرار می‌دهد. یکی از حوزه‌های مهم اندیشه بشری که در ارتباط مستقیم با انسان‌شناسی قرار دارد؛ علوم پزشکی است که با هدف حفظ و تامین سلامت جسمی، اجتماعی، روانی و معنوی انسان پدید آمده و با بهره‌مندی از عقل و تجربیات بشری توسعه یافته است. پیوند محوری این علم با کرامت انسانی سبب شده است تا توجه به اخلاق در آن نسبت به سایر حرفه‌ها و مشاغل دو چندان شود. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش انسان‌شناسی صدرایی بر پابندی و تعهد به اخلاق حرفه‌ای پزشکی از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی جهرم صورت پذیرفته است.

روش کار: این مطالعه به روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا و با مشارکت ۱۲ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۵ انجام شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مصاحبه به شکل نیمه ساختار یافته با سوالات باز بود. سپس داده‌ها خط به خط دست نویس و پس از اشباع، با تحلیل محتوای کیفی بر اساس روش مایرینگ، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: پس از تحلیل و بررسی طبقات داده‌ها؛ ۵ مضمون اصلی اهمیت و ضرورت آموزش انسان‌شناسی صدرایی، انسان‌شناسی متعالی ارتقا بخش اخلاق حرفه‌ای، افزایش منزلت و اعتبار حرفه پزشکی، تعالی تیم مراقبین سلامت و افزایش تعهد و پابندی به اخلاق حرفه‌ای؛ پدیدار شد که نشانگر حوزه‌های اثر بخشی این رویکرد آموزشی در تعالیم انسان‌شناسی است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های مطالعه بر این موضوع تأکید دارد که آشنایی با این نظام فکری در شناخت انسان، کارکردهایی دارد که می‌تواند پزشکان و کادر درمانی را به سوی رعایت هر چه بیشتر اخلاق حرفه‌ای و پابندی به کدهای اخلاقی آن سوق دهد.

واژگان کلیدی: انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، اخلاق پزشکی، تعهد حرفه‌ای

J Educ Ethics Nurs 2020;8(3&4):50-60

مقدمه

یکی از محورهای اساسی اندیشه بشر در طول تاریخ و تقریباً در همه جوامع انسانی، شناخت انسان و پی بردن به ابعاد وجودی او بوده است. شناخت انسان با همه اموری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به بعد یا ابعادی از انسان می‌پردازد، رابطه انکار ناپذیر دارد و به بایسته‌ها و نبایسته‌های تعامل با وی تعیین می‌بخشد. به عبارت دیگر، پرتوهای نگرشی که افراد به انسان و ساحت‌های وجودی او دارند، موضوعات مربوط به سایر علوم را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. یکی از حوزه‌های مهم اندیشه بشری

که با انسان‌شناسی ارتباط مستقیم دارد، اخلاق پزشکی است؛ چراکه هدف اصلی علوم پزشکی ارتقای سلامت جسم و روان انسان است و بنابراین اهمیت اخلاق در آن نسبت به حرفه‌ها و مشاغل دیگر بسیار چشمگیر است. پس تعامل اخلاقی با انسان از سوی صاحبان حرفه‌های پزشکی، ارتباط مستقیمی با شناخت بهتر انسان دارد. انسان‌شناسی معادل واژه لاتین «anthropology»، متشکل از دو واژه یونانی «anthropos» به معنای انسان و «logos» به معنای شناخت است، این واژه برای

*نویسنده مسئول، نشانی: مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران.

تلفن تماس: ۰۹۱۷۹۰۸۱۶۲۱

پست الکترونیک: Tafvizi.m@jums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

اصول انسان شناسی متعالیه

ملاصدرا و پیروان او برای شناخت انسان اصول و مبانی ای دارند که با نگاه به جامعیت حکمت متعالیه و مشی حکمی و فلسفی این فلسفه و با بهره‌مندی از آثار و روش‌شناسی ویژه صدرالمتألهین، می‌توان مهمترین آنها را به شرح زیر بیان داشت:

اصل اول: نسبت مبانی حکمت متعالیه و انسان شناسی، یک نسبت وجودی و حقیقی است. از دیدگاه حکمت متعالیه، برای انسان هیچ امر و فعالیت و الاثر از پرداختن به حکمت نیست و در میان شاخه‌های آن، فلسفه اولی یا علم به مبادی نخستین، از همه مهم‌تر و اساسی‌تر است. ملاصدرا در آثار متعدد خود، حکمت راه دانستن چگونگی حقیقت موجودات (علم به احوال موجودات خارجی) بدانگونه که هستند تا آنجا که قدرت بشر اجازه می‌دهد، یا تبدیل شدن انسان به یک جهان عقلی (عالم صغیر) شبیه به جهان عینی خارجی (عالم کبیر) و یا احاطه به کلیات و تجرد از عالم مادی می‌داند [۸].

اصل دوم: موضوع و متعلق انسان شناسی ملاصدرا، نفس انسانی است از آن حیث که در سیر استکمالی واقع می‌شود. اهمیت حقیقت‌شناسی نفس انسانی و تحقیق در مبدأ و معاد آن و شناخت سیر مراحل و منازل روح، برای ملا صدرا یک اصل بنیادین و از منظر انسان شناختی، غایت حکمت متعالیه است و بر همین اساس، او مبحث نفس را از حوزه طبیعیات به حوزه مابعد الطبیعه منتقل نموده و آنرا جزو علم الهی نهاده است که مکمل علم به مبدأ اشیاء است.

اصل سوم: غایت انسان شناسی ملاصدرا، اساسا با غایت و غرض خلقت انسان، تطابق و تقارن دارد. غرض از خلقت انسان، حصول کمال وجودی اوست، به تعبیر دیگر غایت و غرض آفرینش و خلقت انسان، همانا سعادت و حصول حیات طیبه و صالحه است. او در حکمت متعالیه، در صدد تعالی و تکامل انسان است، حکمتی که حقایق دین، فلسفه و عرفان در آن تجلی یافته و به هم پیوسته است.

در این نگرش فکری، غایت انسان شناسی، علامت‌گذاری راه و مسیر کمال انسان است، تا آدمی به نهایت کمال وجودی خود برسد و نهایت کمال وجودی انسان، همان سعادت و حیات مطلوب اوست. این اصل انسان شناختی، ما را در فهم هدف و غایت انسان شناسانه مدد می‌رساند و ارتباط آن را با هدف و غرض نهایی انسان در جهان هستی و غایت کلی عالم و انسان تبیین می‌کند.

اصل چهارم: نظریات انسان‌شناسانه صدرالمتألهین، منطبق بر آموزه‌های قرآنی و وحیانی است. از نظر او، متکلمانی که تنها به ظاهر آیات و احادیث بسنده می‌کنند، حقیقت دین را در نخواهند یافت. فیلسوفانی که فقط در برهان و استدلال قوی هستند، از

اولین بار توسط ارسطو مورد استفاده قرار گرفت و منظور او علمی بود که در جهت شناخت انسان تلاش می‌کند [۱]. آنتروپولوژی هرچند در طول تاریخ، کاربردهای مختلفی داشته، ولی معنای رایج آن در محافل علمی و دانشگاهی در عصر حاضر، یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی یا علوم انسانی تجربی است که به مسایلی مانند: منشاء پیدایش انسان، توزیع جمعیت و پراکندگی آن، رده‌بندی انسان‌ها، پیوند نژادها، خصیصه‌های فیزیکی و محیطی و روابط اجتماعی و موضوع فرهنگ، با روش تجربی می‌پردازد [۲]. متاپارادایم دیدگاه کلی یک نظام فکری است که پدیده‌های اصلی مورد توجه آن را معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه آن معرفت سازمان یافته با آن پدیده‌ها به روش منحصر به فردی رفتار می‌کند [۳]. تلقی متاپارادایم در اینجا از آن روست که در این پژوهش از مباحث انسان‌شناسی به حسب روش متداول پژوهش آن فاصله گرفته‌ایم و تنها به دنبال بررسی نقش و کارکرد اخلاقی مفهوم کلی انسان در نظام فکری متعالیه از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی هستیم. حکمت متعالیه واجد ۳ رکن اصلی است: رکن اول، مبحث وجود که از حقیقت و اصالت و مظاهر و معانی و مراتب و انواع و اقسام آن پرسش، جستجوگری و تحقیق می‌نماید؛ رکن دوم، مبحث انسان و مسائل مربوط به حقیقت اوست و رکن سوم، خدا و چگونگی رابطه‌اش با موجودات دیگر است. بی‌شک، این سه مسأله، یعنی وجودشناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی در سراسر حکمت متعالیه ظهور و حضور دارند. وجودشناسی ملاصدرا آدمی را به جهان‌شناسی و خداشناسی رهنمون می‌شود و انسان شناسی او طالب حکمت را به نفس‌شناسی و معرفت مبدأ و معاد و سعادت و شقاوت و علایم سیر و سلوک راه، راهنمایی می‌کند [۴]. یکی از پرسش‌های اساسی در تاریخ تفکر، پرسش درباره خود انسان است. برای رسیدن به پاسخ این پرسش، پژوهش‌های مختلفی در مورد انسان صورت گرفته که پیشینه‌ای طولانی دارد؛ پژوهش‌هایی که از آن به خودشناسی، معرفت نفس و علم‌النفس فلسفی یاد می‌شود [۵]. اما بحث پیرامون نقش انسان‌شناسی در اخلاق پزشکی و کارکرد آن در تعهد اخلاقی، سابقه چندانی ندارد. پیش از این در مقاله‌ای نقش انسان‌شناسی در اخلاق حرفه‌ای بررسی و تحلیل شده است. در این پژوهش رابطه معنادار تلقی هر شخصی از انسان و نوع رفتار او با افراد بشر نشان داده می‌شود. به این صورت که توجه دادن به استعدادها و ظرفیت‌های نهفته در انسان و جایگاه بالای او در آفرینش، افزون بر این که هوش اخلاقی را پایدارتر می‌کند، می‌تواند از سویی نوعی احترام و رفتار اخلاق مدارانه نسبت به انسان‌ها را در افراد برانگیزد و از دیگر سو، انگیزه برای تربیت انسان‌های بد رفتار و غیر اخلاقی را افزایش دهد [۶].

به روان او برمی‌گردد. جسم و روح بر هم اثر غیر قابل انکاری دارند، ولی آنچه در انسان اهمیت بیشتری دارد، روح است و به همین نسبت، سلامت روح و روان از اهمیت بالایی برخوردار است و کرامت آدمی از همین ساحت وجودی ناشی می‌شود. انسان به علت کرامت وجودی خود، با کمک عقل، اختیار و ایمان می‌تواند توانایی‌های بالقوه خود را به بالفعل تبدیل نماید [۱۱] بر این اساس، پزشکان و مراقبین سلامت نقش یاری رسان به انسان را بر اساس کمال جویی انسان و حرکت به سمت سعادت، ایفا می‌کنند.

تاکنون مطالعه ای که به بررسی ارتباط نگرش خاصی از انسان شناسی و با توجه به مبانی فکری یکی از فیلسوفان مسلمان، با اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه‌ای پزشکان و کادر درمانی، بپردازد، انجام نشده است. مقاله حاضر این وظیفه را به عهده گرفته است. در دهه‌های اخیر دانش پزشکی پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه تشخیص و درمان بیماری‌ها داشته که ثمره آن ایجاد روش‌های انتخابی متعدد و پیدایی پرسش‌های فراوانی از درستی یا نادرستی اقدامات پایه‌ای و بالینی بوده‌است؛ این رویداد که به سرعت نیز در حال گسترش است، اخلاق پزشکی سنتی را با وجود ارزش فراوان، به سوی نظامی نوین متحول ساخته است [۷]. نمی‌توان ضرورت تبیین دقیق اصول و مبانی فلسفی اخلاق پزشکی را در سیر تحولات بوجود آمده، نادیده گرفت؛ زیرا کاربردی و مفید بودن مباحث اخلاقی مستلزم وجود معیارهای فهم، عمل و تصمیم‌گیری مناسب است. از سویی اهمیت انسان‌شناسی از بعد نظری بدان جهت است که آدمی همواره در پی دستیابی به سعادت است و به یقین نوع نگرش هر فرد به انسان، در درک وی از سعادت و یافتن مصداق آن مؤثر است. از بعد عملی نیز شناخت انسان را می‌توان اساس علوم کاربردی و عملی دانست؛ علوم مانند اخلاق، آموزش و تربیت، حقوق، سیاست، اقتصاد، پزشکی، معماری و شهرسازی، در پرتو شناخت جوانب گوناگون انسان کاربرد بهتری پیدا می‌کنند. از این رو، متخصص هر یک از این علوم، اگر در اندیشه بهبود وضعیت شغلی خود است، به شناخت انسان و یا دست کم شناخت ابعاد آن وجود انسان‌هایی که مخاطب او هستند، علاقه مند است و چنین شناخت‌هایی را در کامیاب شدن خویش ضروری می‌داند [۵]. مقاله حاضر با تأکید بر انسان‌شناسی صدرایی به عنوان یک پارادایم، سعی دارد کارکردهای اخلاقی آن را با نگاه به نگرش اساتید علوم پزشکی بررسی نماید. این مقوله می‌تواند در آموزش‌های علوم پزشکی به‌طور عموم و بویژه در درس اخلاق پزشکی و درس انسان‌شناسی گروه معارف اسلامی، به دانشجویان آموزش داده شود. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش انسان‌شناسی صدرایی بر پایبندی و تعهد

اسرار مبدأ و معاد خبردار نخواهند شد و عرفایی هم که با نیروی کشف و شهود، این اسرار را یافته‌اند، قدرت استدلال بر آنها را ندارد و نمی‌توانند اسرار را به غیر انتقال دهند. حکیم واقعی کسی است که از هر سه موهبت برخوردار باشد؛ بدین معنا که دائماً به کتاب و سنت رجوع کند و با سیر و سلوک به کشف عرفانی اسرار الهی دست یابد و با قوت استدلال و روش برهان نیز آن اسرار را درخور فهم عقل بیان دارد تا در دسترس عموم متفکران قرار گیرد [۹].

در حکمت متعالیه، جمع بین قرآن و عرفان و برهان، روشی است که ملاصدرا می‌کوشد آن را در تمام مباحث فلسفی به کار گیرد. از این رو، در روش‌شناسی حکمت متعالیه باید از نسبت میان شریعت (معرفت وحیانی) و عرفان (معرفت شهودی) و فلسفه (دانش برهانی) سخن گفت. از سوی دیگر، می‌توان معرفت از طریق وحی را پشتوانه‌ای برای معارف عقلی و میزانی برای سنجش صحت عقل دانست؛ زیرا فیلسوف همواره ممکن است به هنگام پژوهش یا در زمان استدلال به خطا رود؛ همچنان که ممکن است هنگام نگارش یا بیان مطالب دچار اشتباه و لغزش شود. از این رو ملاصدرا و پیروان او همواره بعد از استدلال‌های عقلانی، آیاتی از قرآن کریم یا احادیثی از پیامبر (ص) و ائمه (ع) را به عنوان شاهد مطلب ذکر می‌کنند و به توضیح و تفسیر آنها می‌پردازند.

حکیم سبزواری نسبت عقل و شرع را مانند نسبت پایه و ساختمان می‌داند که بدون پایه، ساختمانی بنا نمی‌شود و بدون ساختمان نیز پایه بی‌فایده خواهد بود. از نگاه او عقل، شرعی است که در درون آدمی وجود دارد و شرع عقلی است که خارج از آدمی است. از همین روست که عقل و شرع باید پشتیبان یکدیگر بوده و به هم یاری رسانند [۱۰].

اصل پنجم: انسان شناسی ملاصدرا معطوف به زمان گذشته، حال و آینده است و به بیان دیگر، تجربه حکمی گذشته است که می‌تواند چراغ راه حال و آینده بشر باشد. بنابر این انسان امروز و آینده به اندازه انسان دیروز و حتی افزون‌تر، به اندوخته‌های حکمت متعالیه درباره انسان نیازمند است. این نیازمندی و بهره‌مندی از دو جهت قابل اثبات است و ثبوتش البته با تأمل در اوضاع بشر امروز و رصد کردن روندهای حرکتی بشر فردا، هویدا و امری نسبتاً آشکار است. پس یافته‌های حکمت متعالیه و انسان‌شناسی صدرایی می‌تواند هم در تفکر بشر امروز و آینده مؤثر باشد و هم در تذکرش، و شاید از رهگذر این فکر و ذکر، عبرتی حاصل آید و نهال وجود انسان ثمر پذیرد [۴].

این تعریف از انسان می‌تواند در مراقبت‌های سلامت بسیار کارآمد باشد، چراکه انسان در این دیدگاه دارای دو ساحت جسمی و روحی است. طبیعت و غریزه به بعد جسمانی انسان و ابعاد عقلی و فطرت

به اخلاق حرفه‌ای پزشکی از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی جهرم، صورت پذیرفته است.

روش کار

این مطالعه یک پژوهش کیفی است که داده‌های آن از طریق «مصاحبه‌های انفرادی نیمه ساختاریافته» با اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، بدست آمد. دلیل انتخاب این روش، این است که مصاحبه شونده‌گان در این مطالعه، مخزن پیچیده‌ای از دانش و تجربه درباره آموزش‌های علوم پزشکی و فعالیت در عرصه سلامت هستند. جهت ساختار دادن به اظهارات مشارکت کنندگان، ابتدا توضیحی مختصر به منظور یادآوری اصول و شاخص‌های متا پارادایم انسان متعالیه به مصاحبه شونده‌گان ارائه گردید. سپس سؤالاتی کلی و در راستای اهداف پژوهش مطرح شد، نمونه سؤالات راهنما برای مصاحبه شامل موارد زیر بود:

۱. نتایج نگرش فراطبیعی به انسان، چه تأثیری در تغییر نگرش پزشکان و پیراپزشکان به اخلاق حرفه‌ای دارد؟
 ۲. این تلقی از انسان چه تأثیری بر پایبندی و تعهد نسبت به مسائل اخلاق حرفه‌ای (پزشکی و پیراپزشکی) دارد؟
 ۳. انسان شناسی صدرایی، که یکی از شاخص‌ترین رهیافت‌های معنویت گرا و اخلاق مدار به انسان است، چه نقشی در میزان رعایت کدهای اخلاق حرفه‌ای از سوی کادر درمانی دارد؟
- کوربین و استراسوس (۲۰۰۷)، روش نمونه‌گیری در مطالعات کیفی را مبتنی بر هدف می‌دانند که نمونه‌گیری بر اساس معیارهای ورود به مطالعه و به صورت تدریجی تا رسیدن داده‌ها به اشباع ادامه می‌یابد [۱۲]. در این مطالعه نیز جهت جمع‌آوری داده‌ها، پس از انجام هر مصاحبه، متن گفت و گوها، ضبط و پیاده و چندین بار مرور شد، ابتدا داده‌های حاصل از هر مصاحبه کدگذاری و سپس مصاحبه بعدی انجام گرفت، بعد از انجام ۱۲ مصاحبه، به دلیل اشباع داده‌ها و عدم استخراج کد جدید، جمع‌آوری داده‌ها خاتمه یافت. معیار ورود به مطالعه شامل تمایل به شرکت در تحقیق، دارا بودن حداقل سه سال سابقه فعالیت آموزشی و پژوهشی بود. مدت زمان جلسات مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از رویکرد تحلیل محتوای مایرینگ استفاده شد. این رویکرد به پیش‌زمینه نظری خاصی محدود نیست. عمدتاً برای تحلیل دیدگاه‌های شخصی که از طریق مصاحبه گردآوری شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۳].

بدین منظور، متن‌ها سازماندهی شدند، بدین نحو که کدهای مشابه دسته‌بندی و خلاصه گردید و در طبقات مشخصی قرار

گرفتند و سپس طبقات حاصل از مرحله اول براساس تشابه معنایی، دوباره دسته‌بندی شدند. این طبقات چندین بار مرور و طبقات مشابه در یکدیگر ادغام شدند و با کنار هم گذاشتن طبقات در عباراتی قابل تعمیم، واحدهای معنادار به دست آمد. در این مطالعه به منظور تایید نتایج، از چهار معیار اعتبار، تأییدپذیری، قابلیت اعتماد، و قابلیت انتقال برای صحت و استحکام داده‌ها استفاده می‌شود [۱۴]. بنابراین از روش‌های مختلفی مانند تخصیص زمان کافی برای جمع‌آوری داده‌ها، حسن ارتباط با مشارکت‌کنندگان و انجام مصاحبه در مکان‌های انتخاب شده توسط مشارکت‌کنندگان برای افزایش مقبولیت و اعتماد داده‌ها، استفاده شد. همچنین در طی مراحل تحلیل داده‌ها از نظارت یک نفر متخصص پژوهش کیفی بهره گرفته شد.

پیش از شروع مصاحبه، مشارکت کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت در پژوهش مشارکت کردند. برای ضبط صدای آنها اجازه گرفته شد و به آنها اطمینان داده شد که از داده‌ها فقط در راستای هدف‌های پژوهش بهره گرفته شود و همواره محرمانه خواهد ماند.

یافته‌ها

مصاحبه‌های ضبط شده در ۱۲ جلسه و ۱۵ ساعت گفتگو انجام شد. مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان از ۳۰ تا ۵۴ سال و دامنه سابقه کار علمی و پژوهشی آنان از ۴ تا ۲۰ سال بود. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها منجر به استخراج ۵ مضمون زیر گردید:

۱. اهمیت و ضرورت آموزش انسان‌شناسی صدرایی، به مثابه یک انسان شناسی معنویت گرا و اخلاق مدار.
 ۲. ویژگی‌های مؤثر انسان‌شناسی متعالی در ارتقای اخلاق حرفه‌ای
 ۳. افزایش منزلت و اعتبار حرفه پزشکی
 ۴. تعالی تیم مراقبیت سلامت
 ۵. افزایش تعهد و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای
- هر کدام از این مضامین شامل چندین طبقه اصلی و فرعی است که جنبه‌ای خاص از کارکردهای این نوع از انسان‌شناسی را در ارتقای اخلاق حرفه‌ای توصیف می‌کند و در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت کنندگان

میانگین سنی	۳۸ سال
میانگین سابقه کار	۱۰/۵ سال
جنسیت	۹ مرد و ۳ زن
رتبه علمی	۶ استادیار، ۶ مربی

جدول ۲: درونمایه‌های کارکردهای اخلاقی آموزش انسان شناسی صدرایی از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی جهرم و واحدهای معنادار معنایی

ردیف	مضامین	طبقات
۱	اهمیت و ضرورت آموزش انسان‌شناسی صدرایی	توجه به ساحات و قوای وجودی انسان نیاز بشر به تکامل در ابعاد جسمانی و روحانی توجه به تعالی انسان، برخوردار بودن از نگرشی فرامادی و در عین حال توجه به نقش جسم و ماده متوجه ساختن دانشجویان به حقیقت انسان و حیات پس از مرگ توجه به شأن و کرامت انسانی تناسب این رویکرد با ماهیت حرفه پزشکی برخورداری از دیدگاه جامع نگر
۲	انسان‌شناسی متعالیه ارتقا بخش اخلاق حرفه‌ای	توجه به سلامت جسم و روح به‌طور توأمان توجه به کرامت و شرافت انسان تبیین درست اختیار و حق انتخاب انسان توجه به جسم مادی (بدن) و ارتباط آن با نفس حرکت جوهری و تبیین سعادت انسان و توجه به عوامل کمال بخش انسان با شکوفایی قوای عقل نظری و عملی
۳	افزایش منزلت و اعتبار حرفه پزشکی	نگرش همه جانبه به انسان توجه به اهمیت سلامت بدن و جسم تبیین شرافت و کرامت انسان بیان بایسته‌های حیات انسان نقش مثبت این نگرش در رعایت اخلاق پزشکی خودشناسی
۴	تعالی تیم مراقبین سلامت	درک بهتر ارزش و کرامت انسانی کمال‌جویی با پایبندی عملی به ارزش‌های اخلاقی آگاهی از نیازهای درونی خود در مسیر کمال تلاش برای کسب رضایت الهی
۵	افزایش تعهد و پایبندی به اخلاق حرفه‌ای	برخورداری از پشتوانه قوی معنوی و عقلانی تبیین صحیح از نقش جسم مادی در استکمال نفس و سعادت بشر تغییر نگرش دانشجویان نسبت به رابطه نفس و بدن معرفی جایگاه والایی برای انسان و اثبات عقلانی معاد و دنیای پس از مرگ تأثیر این نگرش در حرفه ای و بویژه کادر درمان

بحث

اهمیت و ضرورت آموزش انسان‌شناسی صدرایی

زیرطبقات استخراج شده از داده‌ها، که دربرگیرنده این مضمون هستند و دلالت بر اهمیت و ضرورت آموزش انسان‌شناسی صدرایی دارند، عبارتند از: توجه به ساحات و قوای وجودی انسان، نیاز بشر به تکامل در ابعاد جسمانی و روحانی، توجه به تعالی انسان، برخوردار بودن از نگرشی فرامادی و در عین حال توجه به

نقش جسم و ماده، متوجه ساختن دانشجویان به حقیقت انسان و حیات پس از مرگ و توجه به شأن و کرامت انسانی و تناسب این رویکرد با ماهیت حرفه پزشکی.

نتیجه این که اساتید این رویکرد را هم‌سنخ‌تر با آموزش‌های پزشکی و کارآمدتر در ارتقای اخلاق حرفه‌ای می‌دانستند؛ به‌طور مثال با سابقه‌ترین مشارکت کننده در این باره می‌گوید:

«از آنجا که علوم پزشکی جزء علوم تجربی است و ادبیات حاکم بر این حوزه، این جهانی و مادی است؛ با انسان شناسی از نوع افلاطونی و ادبیات حاکم بر آن سنخیت چندانی ندارد... آشنا نمودن کادر درمانی با انسان شناسی صدراپی کاری است بایسته که برای همگان ثمرات فراوانی دارد.»

این مضمون بیان می‌دارد که انسان شناسی در سطح نظری می‌تواند با نقش آفرینی بر گسترش و تقویت هوش اخلاقی، توجه به ارزشهای اخلاقی مانند: احترام، اعتماد آفرینی، تعهد، بخشش، مهربانی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، درستکاری، خودکنترلی، خدمتگزاری و ... را بیشتر و عمیق‌تر کند [۶].

در این خصوص شرکت‌کننده دیگری با اشاره به تفاوت این انسان شناسی با انسان شناسی سکولار، بر اهمیت تدریس و آشناسازی دانشجویان علوم پزشکی و کادر درمانی با انسان شناسی اسلامی، تاکید می‌کند. وی در این باره می‌گوید: «در مباحث اخلاق پزشکی امروز غرب، بحث کرامت و تعالی انسان کم‌رنگ است، چراکه تحت تاثیر تئوری‌های تکامل داروین است و عمدتاً دیدگاه‌های تجربی، حسی و مادی، بر محیط‌های پزشکی و از جمله اخلاق پزشکی حاکم است که انسان را حداکثر یک حیوان کامل و کاملترین موجود مادی می‌بیند.»

بنابراین براساس تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، این نتیجه اخذ می‌گردد که آموزش رویکردهای جامع‌نگر در شناخت انسان به دانشجویان علوم پزشکی امری ضروری است و در این میان رویکرد انسان شناسی متعالیه که دیدگاهی هماهنگ با عقل و آموزه‌های وحیانی است می‌تواند کارآمدتر باشد.

انسان شناسی متعالیه ارتقا بخش اخلاق حرفه‌ای

این مضمون بیانگر مؤلفه‌های تاثیرگذار از انسان شناسی متعالیه بر ارتقای اخلاق حرفه‌ای است، که اظهارات شرکت‌کنندگان بر آن دلالت دارد. لازم به ذکر است، اخلاق حرفه‌ای برای مشارکت‌کنندگان مفهومی آشنا بود، اما در اینجا لازم دیدیم به منظور آگاه‌سازی بیشتر خوانندگان تبیین مختصری از آن را ارائه دهیم.

بخش بسیار مهمی از اخلاق در زندگی اجتماعی انسان‌ها، اخلاق حرفه‌ای است که به دلیل ارزشمندی و نقش آفرینی فراوان، امروزه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و هر روز بر اهمیتش افزوده می‌شود. آن، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که ما را با شئون و تکلیف‌های اخلاقی در حرفه‌ها آشنا می‌کند. به بیان دیگر، رعایت اصول اخلاقی در رشته‌ها و حرفه‌های گوناگون، به عنوان اخلاق حرفه‌ای که زیر مجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است، شناخته می‌شود [۱۵].

برخی نیز اخلاق حرفه‌ای را این گونه تعریف کرده‌اند: مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی، بایدها و نبایدهای موجود در یک حرفه و مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اخلاقی پذیرفته شده است که از سوی سازمان‌ها و مجامع حرفه‌ای مقرر می‌شود، تا مطلوبترین روابط ممکن را برای اعضای خود در اجرای وظایف حرفه‌ای فراهم آورد [۱۶].

زیر طبقاتی که از داده‌ها استخراج گردید و حکایت از این مضمون دارند، عبارتند از: برخورداری از دیدگاه جامع‌نگر، توجه به سلامت جسم و روان به‌طور توأمان، توجه به کرامت و شرافت انسان، تبیین درست اختیار و حق انتخاب انسان، توجه به جسم مادی (بدن) و ارتباط آن با روح، حرکت جوهری و تبیین سعادت انسان و توجه به عوامل کمال بخش انسان با شکوفایی قوای عقل نظری و عملی.

در این رابطه شرکت‌کننده‌ای با ۴ سال سابقه فعالیت علمی، می‌گوید: «شناخت انسان بر اساس نگرش مالاصدرا و آنچه که پیروان او بر مبنای دیدگاه‌های وی از شناخت انسان تبیین کرده‌اند، ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند در تنظیم صحیح کدهای اخلاق حرفه‌ای متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی مؤثر باشد. اولاً انسان در این نگرش دارای دو بعد جدا از هم نیستند و کارکرد جسم و بدن که عموماً تحت درمان قرار می‌گیرد، در مسیر کمال نفس و حقیقت انسان به خوبی تبیین می‌گردد. دوماً انسان از آن رو که استعداد و قابلیت والائتری نسبت به سایر موجودات دارد و از عقل و اختیار بهره‌مند است؛ از کرامت و شرافت بالایی برخوردار است.» به نظر یکی دیگر از شرکت‌کنندگان: «اندیشه‌هایی همچون انسان شناسی در حکمت متعالیه، از آن جهت که مبانی تربیتی ارزشمندی نیز دارند می‌توانند در تدوین کدهای اخلاق حرفه‌ای هماهنگ با فطرت انسان نیز کمک نمایند.»

همچنین یکی از شرکت‌کنندگان با تجربه ۶ سال در امر درمان می‌گوید: «می‌توان بر اساس کرامت، تعالی و ارزشمندی انسان کدهای اخلاقی فراتر از اخلاق سکولار تعریف و تمهید نمود.»

دیدگاه یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان چنین بود: «نقش این حکمت بسیار محوری و مهم است و مانند یک شالوده مستحکم و غیرقابل تخریب است، که هر کس می‌تواند با توجه به شغل خود، نسبت به آن رویکرد مناسبی اتخاذ کند.»

از مجموع اظهارات شرکت‌کنندگان نتیجه می‌گیریم که رویکرد فلسفی در شناخت انسان، که مطابق ویژگی‌های مذکور است، می‌تواند مبنایی برای تدوین کدهای اخلاق حرفه‌ای قرارگیرد. اندیشه‌ای که معنای حیات را مطلق وجود اما دارای مراتب می‌داند، در تمامی نشئه‌های وجودی انسان نگرش‌های اخلاقی خاصی را به همراه خواهد داشت [۱۷]. لذا می‌تواند در منشور حقوق بیمار، کدهای اخلاق در پژوهش و راهنماهای اخلاق پزشکی

حرفه پزشکی را از یک شغل درآمدزا به یک حرفه مقدس تغییر داد، که این امر احساس خوشایند قلبی را به همراه دارد و نتیجه آن تعهد حرفه‌ای و پایبندی به اخلاق خواهد بود.

تعالی تیم مراقبین سلامت

در اظهارات مصاحبه‌شوندگان یکی از مضمون‌های قابل استخراج نقش تعالیم انسان‌شناسی متعالیه بر تعالی تیم مراقبین سلامت بود. نشانگرهای این درون‌مایه عبارت است از: خودشناسی، درک بهتر ارزش و کرامت انسانی، کمال‌جویی با پایبندی عملی به ارزش‌های اخلاقی، آگاهی از نیازهای درونی خود در مسیر کمال و تلاش برای کسب رضایت الهی.

نظرات شرکت‌کنندگان درباره این مضمون چنین بود:

الف) «کمال انسان به شکوفایی عقل در ابعاد نظری و عملی است و پزشکی که انسان را این‌گونه بشناسد، ابتدائاً در جهت خودسازی خودش تلاش می‌کند».

ب) «با توجه به انسان‌شناسی صدرایی که بر اساس آن انسان دارای ابعاد جسمانی و روحانی است و کرامت و شرافت او انکار ناپذیر است، نگرش جامعه پزشکی باید بدین صورت باشد که خودشان و بیماران دارای کرامت و شرافت هستند و در اولین قدم کرامت و شرافت بیماران باید حفظ گردد. (البته این مسأله به صورت متقابل است و باید از طرف بیماران نیز حفظ گردد)»

ج) «پزشکانی که نیروی جسم خود را بکار گرفته و به کمک عقل و ایمان به خدا بر اساس فطرت خود که خدایی است عمل کنند، خودشان نیز به کمال و کسب رضایت الهی خواهند رسید و به آرامش روحی بالایی دست خواهد یافت».

د) «پزشکان و پیراپزشکان با این نگرش بدن خود را نیز مورد توجه قرار خواهند داد، چراکه بدن مرکب روان و ابزار رسیدن به کمالات روحی و معنوی است. مشاهده شده است که موارد خلاف این نگرش در برخی از کادر درمانی، آسیب‌های جدی به جسم و روان انسان‌هایی که به عنوان بیمار به ایشان مراجعه نموده‌اند، ایجاد کرده است».

ه) «به هر ترتیب به یاد داشتن این نکات، می‌تواند اثر مثبتی داشته باشد. خصوصاً این که کسی باور کند و همیشه به یاد داشته باشد که انسان برای رو به سوی کمال رفتن آفریده شده است. اخلاق حرفه‌ای هر شغل همیشه مسیری برای تعالی فرد شاغل در آن شغل و بهره‌مندی و جواب‌گرفتن کسانی است که به او مراجعه می‌کنند. به یاد داشتن این که روح برای تعالی خود باید از جسم سالم مسیر را شروع کند، و باور به خدایی بودن روح انسان می‌تواند کمک بزرگی به پیشرفت انسان در مسیر شغل خود نماید».

تجلی یابد و مبین شأن و کرامت انسان، نحوه تصمیم‌گیری و حقوق بیماران یا مشارکت‌کنندگان در پژوهش، دریافت درمان‌های نوین، برخورد‌های اخلاقی با دستاوردهای جدید علم پزشکی، درمان‌های نگهدارنده و مراقبت‌های پایان حیات، درمان در بیماران خاص و... باشد.

افزایش منزلت و اعتبار حرفه پزشکی

انسان‌شناسی متعالی می‌تواند به حرفه پزشکی اعتبار و منزلت والایی بخشد، که ثمره آن افزایش تعهد حرفه‌ای و ارتقای اخلاقی صاحبان این مشاغل خواهد بود. واحدهای معناداری که از میان داده‌ها این گویه را ایجاد نمود، عبارتست از: نگرش همه جانبه به انسان، توجه به اهمیت سلامت بدن و جسم، تبیین شرافت و کرامت انسان و بیان بایسته‌های حیات انسان.

مستند این ادعا اظهارات مشابه شرکت‌کنندگان است:

الف) «موضوع اصلی دانش پزشکی حفظ، بهبودی و ارتقاء سلامتی انسان است، انسان‌شناسی صدرایی هم که هماهنگ با نگاه قرآنی به انسان است که بشر را خلیفه خدا در زمین معرفی می‌کند؛ در واقع به موضوع علم پزشکی بها داده است».

ب) «در پرتو اندیشه‌های انسان‌شناسانه ملاصدرا، حرفه پزشکی، ارزشی الهی می‌یابد و پزشکی که برای نجات جان حتی یک انسان تلاش می‌کند گویی برای نجات جان بشریت می‌کوشد».

ج) «با این نگرش منزلت و اعتبار حرفه پزشکی و اخلاق حرفه‌ای، افزایش می‌یابد چراکه پزشک و همکارانش با موجودی با چنین منزلت و شأنی سروکار دارند».

تحقیقات نشان می‌دهد که میان رضایت شغلی که امری بسیار متأثر از نوع نگرش انسان نسبت به حرفه خود است و تعهد حرفه‌ای ارتباط مستقیمی وجود دارد. تعهد حرفه‌ای را می‌توان رضایت قلبی و التزام عملی نسبت به وظایف تعیین‌شده برای انسان تعریف کرد، با این شرط که بدون هرگونه سیستم نظارتی، شخص وظایف خود را به بهترین نحو ممکن به انجام رساند [۱۸].

از سویی تعهد حرفه‌ای را می‌توان بعد عملی و اجتماعی اخلاق دانست. تعهد حرفه‌ای مبتنی است بر احساس مسؤولیت و علاقه نسبت به حرفه‌ای که فرد دارد و عبارت است از احساس پایبندی فرد به وظایفی که با بر عهده‌گرفتن نقشی، خود را ملزم به انجام آنها می‌داند. تعهد، بعد عملی و اجتماعی اخلاق است پس می‌توان تعهد کاری را اینگونه بیان کرد که نوعی تمایل عاطفی مثبت نسبت به رعایت حقوق دیگران در قالب قواعد اخلاقی پذیرفته‌شده نسبت به کار است [۱۹]. این تعهد می‌تواند در پرتو انسان‌شناسی متعالی و جامع‌نگر، پر رنگ و عملیاتی‌تر شود.

به این ترتیب، بر اساس دیدگاه‌های اساتید دانشگاه علوم پزشکی جهرم، با آموزش انسان‌شناسی می‌توان نگرش دانشجویان به

دیدگاه برایش آسان تر است. در نتیجه پابندی و کاربست آن‌ها نیز سهل تر و بیشتر خواهد بود.»

همچنین بنا به دیدگاه یکی دیگر از شرکت‌کنندگان: «رعایت اخلاق حرفه‌ای و رعایت کدهای مربوطه در مرحله اول به این بستگی دارد که ارزش و اهمیت انسانیت و شکوفایی استعداد های وی و اینکه انسان موجودی است که می‌تواند با طی مراحل کمال به جایی برسد که بالاترین مرتبه آن را اشرف مخلوقات، یعنی وجود مبارک پیامبر اسلام (ص) طی نموده‌اند و نقش و جایگاه این موجود در نظام هستی بایستی تبیین یابد، یعنی در ابتدا باید نگرش کادر درمانی تغییر نماید و پس از تغییر نگرش و اینکه انسان روحی دارد و بدنی که این بدن، حقیقت تنزل یافته روح است؛ آنگاه نسبت به رعایت مسائل اخلاق حرفه‌ای متعهد خواهند شد و کدهای اخلاقی نیز بالتبع مورد نظر قرار خواهد گرفت.»

نتایج تحقیقات نیز نشان می‌دهد، انسان‌شناسی می‌تواند در گسترش و جهت‌دهی اخلاق حرفه‌ای نقش انکارناپذیری داشته باشد. این پیوستگی را به دو روش می‌توان نشان داد: الف) روش با واسطه: تأثیر انسان‌شناسی بر هوش اخلاقی و به واسطه آن بر اخلاق. در واقع هوش اخلاقی، توانایی درک درست از خلاف و در واقع تقویت رفتار مناسب است. این هوش به معنای داشتن اعتقادات قوی اخلاقی و عمل به آن در جهت درست است. و از سویی تقویت و پایداری هوش اخلاقی، نمود خود را در اخلاق حرفه‌ای نشان می‌دهد. ب) روش تحلیلی: توجه به جایگاه بالای انسان در بین دیگر موجودات، می‌تواند از لحاظ اخلاقی آثار بسیار سودمندی بر ذهن و رفتار آدمیان داشته و پیامدهای اخلاقی مفید و سازنده‌ای در بر داشته باشد. با توجه به این ظرفیتهای و این جایگاه، دیگر نمی‌توان با انسان‌ها همچون یک جانور برخورد کرد [6].

براساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، رویکرد صدرایی در شناخت انسان از آن رو که به بعد تجربه ناپذیر انسان توجه دارد، معنویت‌گرا و اخلاق مدار است و کمال بشر را به فعلیت‌رساندن قوای عقل نظری و عملی می‌داند، انسان درس گرفته از این مکتب را برآن می‌دارد که با درستکاری، مسئولیت‌پذیری، همدردی، مهربانی، احترام به هم نوع، انصاف و... به تکامل ابعاد معنوی و اخلاقی و قوای عقلانی خود مبادرت ورزد که نتیجه این امر افزایش هوش معنوی و اخلاقی خواهد بود. از سویی نوع نگرش پزشکان و کادر درمانی به انسان و جایگاه او در بین دیگر موجودات، راهنمای خوبی برای نحوه سلوک و تعامل با بیماران و مددجویان است. در کادر درمانی و تیم مراقبت از سلامت، فرد آشنا با ابعاد وجودی انسان و مسیر سعادت و کمال بشر و همچنین اعتقاد به معاد و جاودانگی، خود را بیش از هر فرد دیگری ملزم به رعایت اخلاق حرفه‌ای می‌یابد.

بر اساس مطالعات انجام شده در تربیت نیروی پزشکی علاوه بر دانش و مهارتی که برای پرداختن به این حرفه ضروری است، باید به توسعه و تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارهای اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و بقیه رفتارهایی که شکل دهنده شخصیت انسانی یک پزشک که همان اصول و مهارت‌های حرفه‌ای‌گری است توجه شود به گونه‌ای که دانشجویان بتوانند پس از دانش آموختگی با انجام وظایف حرفه‌ای خود و پابندی به اصول مشخصی که این حرفه ایجاب می‌کند، در راه ارتقاء سلامت جامعه تلاش نمایند [۲۰].

بنابراین رویکرد فلسفی متعالیه به انسان در صورتی که به‌طور صحیح آموزش داده شود می‌تواند کارکردهای مناسبی از این جهت نیز داشته باشد.

افزایش تعهد و پابندی به اخلاق حرفه‌ای

در تبیین این مضمون واحدهای معنادار از میان داده‌های ثبت شده عبارتند از: برخورداری از پشتوانه قوی معنوی و عقلانی، تبیین صحیح از نقش جسم مادی در استكمال نفس و سعادت بشر، تغییر نگرش دانشجویان نسبت به رابطه نفس و بدن، معرفی جایگاه والایی برای انسان و اثبات عقلانی معاد و دنیای پس از مرگ.

مستندات این مضمون از گفتار یکی از شرکت‌کنندگان که با ابعاد گسترده فلسفه صدرایی آشنایی دارد برداشت می‌شود: «در انسان‌شناسی متعالیه به‌خاطر اینکه بعد غیر مادی انسان مورد توجه قرار گرفته و تأثیر رفتار ما در ساختن آن بعد و تکامل یا تنزل آن بعد میرهن شده است. همچنین رابطه رفتار ما با سعادت عالم برزخ و قیامت به‌خوبی تبیین شده، اگر کسی با این فلسفه آشنا بشود و مفاهیم آن را بپذیرد، مسلماً رفتارهای شعلی، حرفه‌ای و فردی و اجتماعی وی متأثر از این دیدگاه خواهد شد؛ و اگر کسی شقاوت ذاتی نداشته‌باشد، غالباً بر اساس دانسته‌های خود عمل می‌کند که آموزش و مباحث تربیتی و موعظه در این زمینه بسیار مؤثر است.»

شرکت‌کننده‌ای دیگر چنین می‌گوید: «این دیدگاه از دو جهت بر پابندی و تعهد مؤثر است: الف- این که انسان خود را فراتر از این کالبد تجربی می‌بیند و ارزش و کرامت خویش را بهتر درک می‌کند (به نوعی تشویق می‌شود) ب- دنیای پس از مرگ برای او پررنگ‌تر می‌شود. (چون حقیقت او غیر مادی است و با مرگ از بین نمی‌رود) بنابراین فرد معتقد به این نگرش سعی می‌کند، تبعات عملکردش، حیات پس از مرگ را مخدوش نکند.»

از نظر مصاحبه شونده‌ای با بیشترین سابقه کار علمی و پژوهشی: «پژوهشگر و عالم علوم پزشکی با نگاه صدرایی به انسان خود را هماهنگ‌تر و آشناتر می‌داند. بنابراین پذیرش آموزه‌های این

۲- انسان‌شناسی صدرایی از آن جهت که نگاه نوینی به رابطه نفس به عنوان تمام حقیقت انسان و بدن دارد. در بعد محتوایی رسالت حرفه‌مندان عرصه سلامت را از دو جهت ارتقاء می‌بخشد یکی آنکه پزشکان و تیم درمانی وظیفه‌ای جامع بر عهده دارند که تمام ابعاد چهارگانه سلامت را شامل می‌گردد و دوم آنکه حفظ سلامت بدن در مسیری که نگرش صدرایی آن را حرکت از تجسم به تروح می‌داند، به حرفه پزشکی اعتبار بیشتری می‌بخشد و باعث تعالی تیم مراقبت سلامت خواهد شد و سرانجام به افزایش تعهد و پایبندی به اخلاق در این حرفه خواهد انجامید. از این رو، آموزش این نظام فکری و دیدگاه‌های آن در شناخت انسان، از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است.

۳- نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمایی باشد در جهت توجه به ابعاد وجودی و غیرمادی به انسان در گروه‌های پزشکی و هماهنگ سازی محتوای درس اخلاق پزشکی با انسان‌شناسی صدرایی.

ملاحظات اخلاقی

این مقاله حاصل طرح پژوهشی با عنوان «بررسی کارکردهای اخلاقی آموزش انسان‌شناسی صدرایی از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی جهرم» مصوب دانشگاه علوم پزشکی جهرم و دارای تاییدیه کمیته اخلاق به شماره IR.JUMS.REC.1395.065 می‌باشد. جهت انجام این پژوهش و به منظور رعایت کدهای اخلاقی قبل از جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا توضیحات لازم (از قبیل هدف و کاربرد مطالعه حاضر) ارائه شد و به افراد اطمینان دادیم که اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق مصاحبه به صورت محرمانه نگهداری و از داده‌ها فقط در راستای هدف‌های پژوهش بهره گرفته خواهد شد. همچنین جهت ضبط صدا از آنها اجازه گرفته شد.

در بین اظهارات برخی از شرکت‌کنندگان به عدم توجه حکمت متعالیه به مسائل اجتماعی اشاره شده است که به نظر می‌رسد به دلیل عدم آگاهی از مجموعه فلسفه متعالیه از ملاصدرا تاکنون است، چراکه پس از ملاصدرا شاگردان و پیروان مکتب وی تبیین‌های ژرف‌تری را بر اساس همان مبانی و روش ارائه داده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پس از مطالعه و آشنایی با انسان‌شناسی صدرایی، به مثابه یکی از شاخص‌ترین انسان‌شناسی‌های معنویت‌گرا و اخلاق‌محور و براساس اظهارات شرکت‌کنندگان، آموزش انسان‌شناسی متعالیه از چند کارکرد اخلاقی می‌تواند برخوردار باشد:

۱- این رهیافت فلسفی به انسان، از ویژگی‌هایی برخوردار است که در ارتقای اخلاق حرفه‌ای و اخلاق پزشکی و تدوین کدهای متناسب با فرهنگ ایرانی- اسلامی بسیار مؤثر خواهد بود. اندیشه‌ای که معنای حیات را مطلق وجود اما دارای مراتب می‌داند، در تمامی نشانه‌های وجودی انسان نگرش‌های اخلاقی خاصی را به همراه خواهد داشت. لذا می‌تواند در منشور حقوق بیمار، کدهای اخلاق در پژوهش و راهنماهای اخلاق پزشکی تجلی یابد و مبین شأن و کرامت انسان، نحوه تصمیم‌گیری و حقوق بیماران یا مشارکت‌کنندگان در پژوهش، دریافت درمان‌های نوین، برخوردهای اخلاقی با دستاوردهای جدید علم پزشکی، درمان‌های نگهدارنده و مراقبت‌های پایان حیات، درمان در بیماران خاص و... باشد. در پژوهشی که توسط مصلی نژاد و همکاران در راستای کشف و بررسی موانع انطباق با کدهای اخلاق پزشکی در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام شده است نیز، عدم آگاهی نسبت به معیارهای اخلاق حرفه‌ای ۸۰/۲٪ بالاتر از میانگین وزن کل امتیاز آورده است [۲۱]. که این مسئله ضرورت تبیین معیارهای اصیل و مبانی دقیق اخلاق حرفه‌ای را نشان می‌دهد.

References:

1. Farbod M. Anthropological Foundations, Pashootan Publishing, Tehran, 2001: 3.
2. Rajabi M. Anthropology, Qom, Imam Khomeini research & educational institute; 12Edithio, 2009: 22.
3. Farsi Z, Salsali M. Islamic perspectives of caring and nursing's metaparadigms. *Teb Va Tazkiyeh* 2008; 16(4): 8-21.
4. Nawidi MA. Principles of MULLA SADRA'S Philosophical Anthropology. *Kheradname-ye Sadra* 2008; 13(3): 35-40.
5. Shajari M. Human being in Sadra's philosophy; Nashr-e Maaref; Qom; 2015; 19-27.
6. Moneni N. Analysis the Role of Humanology in the Professional Ethics. *Journal of Ethics in Science and Technology* 2016; 10 (4): 17-26.
7. Larijani B. View in the modern medical ethics. *The Journal of Research and hawzah*. N17,18; 2004; P: 47
8. Seyed Hussain N, Shirazi S, Fani K. History of Philosophy in Islam. Tehran 1986: 481.
9. Muhamed. Al-Mabda' va al-ma'ad, Tehran, Anjoman-e hekmat va falsafe Iran. 1975: 382.
10. Sabzevari MH. *Asrar al-Hekam*; introduction by Manoucheher Sedouqi Soha. Edited by Karim Feizi. Qom, Religious Press 2004: 455.
11. Alhani F, Sadat Hosseini A S, Khosro Panah A, BehjatPour A. Explanation of Meta paradigm of Human in Islamic Sources and Nursing Theories. *jgbfnm* 2013; 9 (2) :36-48.
12. Khaghanizadeh M, Maleki H, Abbasi M, Abbaspoor A. Identity of the medical ethics curriculum Based on the experiences of teachers of medical ethics: Qualitative Research; *Medical Ethics Journal* 2011; 5(16): 100.
13. Mayring P. Qualitative content analysis—research instrument or mode of interpretation. The role of the researcher in qualitative psychology. *Scientific Research* 2002; 139-148.
14. Corbin J, Strauss AL. *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*: SAGE Publications Ltd 2007: 237.
15. Pooya AR, Broumand E. Professional ethics in development of production process; from craft to mass production. *Ethics in Science & Technology* 2013; 8(1): 51.
16. Ehrambafian M, karamipoor M, Tajasob K. Performance of Professional Ethics and Its Related Factor in High School Counselors. *Ethics in Science & Technology* 2014; 9(1): 2.
17. Bidhendi M, Shiravand M. Bio-environmental ethics in Transcendent Theosophy. *Medical Ethics Journal* 2010; 4(11): 108-133.
18. Sabour, M. Review the professional commitment of teachers. Master of Science Thesis. Marand Research and Education Committee; 2008.
19. Habibi. Work ethic and commitment to ethics in Iran; 2007..
20. Wagner P, Hendrich J, Moseley H, Hudson, V. Defining medical professionalism: a qualitative study *Med Educ* 2007; 41(3): 94-288.
21. Mosalanezhad L, Tafvizi, M, Dezhkam L, Porkhorshid M. Barriers to compliance with the codes of medical ethics at hospitals affiliated with Jahrom University of Medical Sciences in 2016. *Pakistan Journal of Medical and Health Sciences* 2017; 11: 1629-1636.

Explaining the effectiveness of Sadrai anthropology training on medical ethics: A qualitative study

Lotfollah Dezhkam¹, Mansour Darvishi Tafvizi^{2*}, Navid Kalani³

Received: 2019/11/23

Revised: 2020/02/7

Accepted: 2020/03/10

1. Associated professor of medical ethics, Medical Ethics and Philosophy of Health. Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran
2. Medical Ethics Research Center, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran
3. Research center for social Determinants of Health, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.8, No.3&4, Fall & Winter 2020

J Educ Ethics Nurs 2020;8(3&4):50-60

Abstract:

Introduction:

Human cognition has an undeniable function on all issues that directly or indirectly address the dimension or dimensions of human beings and determine the do's and don'ts of interacting with them. Thus, people's attitudes toward man and his realms of existence overshadow issues related to other sciences. One of the most important areas of human thought that is directly related to anthropology; it is the medical science that has emerged with the aim of maintaining and ensuring the physical, social, mental and spiritual health of human beings and has been developed with the benefit of human intellect and experiences. The central connection of this science with human dignity has caused the attention to ethics in it to be doubled compared to other professions and occupations. Therefore, the present study aimed to explain the effectiveness of Sadrai anthropology education on the ethics of the medical profession from the perspective of professors of Jahrom University of Medical Sciences.

Materials and Methods:

This qualitative study was conducted with a content analysis approach and with the participation of 12 faculty members of Jahrom University of Medical Sciences in 2016. Purposeful sampling and interview were semi-structured with open-ended questions. Then, the data were handwritten line by line and after saturation, they were analyzed by qualitative content analysis based on Mayring method.

Results:

After analyzing the data classes; 5 The main themes of the importance and necessity of teaching Sadrai anthropology, transcendent anthropology, promoting professional ethics, increasing the prestige and prestige of the medical profession, the excellence of the health care team, and increasing the commitment and adherence to professional ethics; It appeared to indicate the effective areas of this educational approach in anthropological teachings.

Conclusion:

The findings of the study emphasize that familiarity with this system of thought in human cognition has functions that can lead physicians and medical staff to observe more professional ethics and adhere to its ethical codes.

Keywords: Anthropology, Transcendental Philosophy, Medical ethics, Professional Commitment

* Corresponding author Email: Tafvizi.m@jums.ac.ir